

نقش ترکیه در تطویل مناقشه قره باغ

محمد یزدان پناه؛ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی
مقدمه

به دنبال استقلال کشورهای منطقه قفقاز جنوبی از اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال 1991، انحصار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه در این منطقه توسط سایر قدرت‌های منطقه‌ای به چالش کشیده شد. یکی از مهمترین این بازیگران، کشور جمهوری ترکیه بود که سعی نمود با بهره‌گیری از اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی با کشور جمهوری آذربایجان، خود را به عنوان بازیگر عمده منطقه‌ای مطرح سازد.

داشتن نظام سیاسی سکولار همراه با برخورداری از اقتصاد رو به رشد، جذابیت‌های لازم را برای کشورهای تازه استقلال یافته منطقه جهت گرایش به سمت ترکیه فراهم می‌نمود. علاوه بر این، عضویت این کشور در پیمان ناتو و همکاری گسترده آن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اقتصادی با ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا موجب گردید تا ترکیه حمایت این کشورها را در راستای افزایش نفوذ خویش در منطقه قفقاز داشته باشد. [1] (تقفی عامری، 1371؛ 12)

کشور ترکیه به دنبال ناکامی در پیوستن به اتحادیه اروپا، به تلاش‌های خویش برای یافتن جایگاهی مناسب در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز افزوده است. در واقع، این کشور مهمترین رقیب روسیه در منطقه قفقاز به شمار می‌رود. تمایل ترکیه نسبت به کشورهای ترک زبان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دوران حاکمیت ترک‌های جوان در واپسین سالهای حیات امپراطوری عثمانی برمی‌گردد. لکن در آن برهه تاریخی به علت شکست امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، رهبران جمهوری ترکیه مجبور شدند یکی پس از دیگری واقعیت‌های موجود را پذیرفته و تمام تلاش‌های خویش را صرف تأسیس و تثبیت جمهوری نوین ترکیه نمایند. لکن این تمایل خفته با فروپاشی شوروی جان تازه‌ای به خود گرفت و فرصت طلایی را برای ترکیه به وجود آورد که به آرزوی دیرینه خود جامه عمل بپوشاند. [2] (عبدالاحد، 1372؛ 84)

سیاست نزدیکی ترکیه به کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز که توسط سلیمان دمیرل رئیس جمهور وقت ترکیه در اوایل دهه 1990 میلادی بنیان نهاده شده بود، در سالهای اخیر و با ابتکار حزب عدالت و توسعه وارد مرحله جدیدی شده است. اگر در سالهای اولیه برقراری و توسعه روابط با کشورهای ترک تبار این منطقه، بر محور اهداف فرهنگی و سیاسی قرار داشت لکن امروزه ترکیه اهداف اقتصادی را نیز در کنار اهداف مذکور دنبال می‌کند و تأکید ویژه‌ای بر روابط اقتصادی متقابل دارد. بنابراین، اهداف ترکیه در منطقه چند بعدی است و دارای وجوه گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. رهبران ترکیه در طول بیست سال گذشته به تدریج به این جمع بندی رسیده‌اند که تنها در صورت ایجاد تعادل متوازنی میان این سه هدف، خواهند توانست نفوذ خویش را در منطقه تعمیق داده و آن را تثبیت نمایند. [3] (شیخ عطار، 1371؛ 26-27)

در ادامه به برخی از مهمترین عواملی که موجب اهمیت منطقه قفقاز و بحران قره باغ برای ترکیه می‌شوند؛ اشاره می‌کنیم تا ماهیت سیاست خارجی این کشور در قبال مناقشه ناگورنو قره باغ بهتر فهمیده شود. به طور کلی، اهمیت منطقه قفقاز جنوبی برای ترکیه ناشی از عوامل زیر است:

1. جمهوری آذربایجان و تلاش برای کسب نفوذ بیشتر در این کشور

جمهوری آذربایجان به علت اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی مهمترین کشور برای ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به شمار می‌رود. به همین دلیل نیز ترکیه اولین کشوری بود که استقلال جمهوری آذربایجان را در نوامبر 1991 به رسمیت شناخت و بلافاصله موافقت نامه‌های فرهنگی و اقتصادی متعددی را با این کشور به امضاء رساند. [4] (اسدی کیا، 1375؛ 122)

به لحاظ زبانی، ترکی آذری جمهوری آذربایجان بیشترین تشابه را در میان جمهوری‌های تازه استقلال یافته با ترکی استانبولی ترکیه دارد و این امر موجب تسهیل ارتباطات مردمی میان این دو کشور شده است. همچنین در یکصد سال اخیر، تاریخ دو کشور در مقاطعی با یکدیگر تلاقی داشته و به یکدیگر کمک نموده‌اند. در این رابطه می‌توان به حمایت ترک‌ها از اعلام استقلال اولین جمهوری آذربایجان در سال 1918 و شرکت جمع کثیری از آذری‌ها در نبرد چاناک کالا برای حمایت از استقلال ترکیه اشاره کرد. کشور جمهوری آذربایجان نه تنها مهمترین بازیگر منطقه قفقاز جنوبی است بلکه به عنوان پلی برای توسعه نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی نیز به شمار می‌رود. [5] (کاوردانکوس، 1375؛ 313) در رابطه با مسائل اقتصادی، جمهوری آذربایجان منبع مطمئنی برای تأمین انرژی ترکیه و متحدینش محسوب می‌شود. نیاز ترکیه به واردات و ترانزیت انرژی از جمهوری آذربایجان از یک سو، و تمایل جمهوری آذربایجان برای صادرات نفت و گاز به ترکیه و کشورهای اروپایی از سوی دیگر، موجب شده است تا دو طرف همدیگر را به عنوان شرکای مناسبی جهت همکاری‌های اقتصادی مخصوصاً در حوزه انرژی ارزیابی کنند. [6] (بهار چیچک، 1373؛ 157)

به طور کلی کشور ترکیه با هوشیاری توانسته است بیشترین بهره‌برداری را از احساسات ضد روسی آذری‌ها ببرد و با گسترش همکاری‌های خویش با آذربایجان، حضور خویش را به عنوان بازیگری مهم در منطقه بر روسیه و سایر رقبای خویش دیکته کند.

2. جمهوری ارمنستان و اختلافات تاریخی ترک‌ها و ارمنه

اختلافات تاریخی و مذهبی ترک‌های مسلمان با ارمنی‌های مسیحی قدمتی طولانی دارد. روابط ترک‌ها و ارمنه در طول تاریخ سرشار از جنگ‌ها و برخوردهای خصمانه بوده و گذشت زمان تأثیر چندانی بر ماهیت این روابط نگذاشته است. [7] (روشندل، 1373؛ 136)

ارمنی‌ها به علت اشتراکات مذهبی، در طول تاریخ روس‌ها را نسبت به ترک‌ها و ایرانی‌ها ترجیح داده‌اند. در این راستا شمار زیادی از ملی‌گرایان ارمنی طی جنگ جهانی اول که روسیه با امپراطوری عثمانی در حال جنگ بود؛ با روسیه همکاری کرده و ضربات قابل

توجهی بر ارتش عثمانی وارد ساختند. در مقابل، ترک‌های ناسیونالیست نیز به فکر انتقامجویی افتاده و حوادث ناگوار سالهای 1914 و 1915 را به وجود آوردند. [8] (لی، 1375؛ 224) به علت همین ذهنیت تاریخی منفی، ترک ستیزی بخش مهمی از هویت قومی و ملی ارمنی‌ها را تشکیل می‌دهد و به مثابه ریسمانی ارامنه پراکنده در گوشه و کنار جهان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. [9] (سجاد پور، 1374؛ 99-100) تنها با عنایت به این امر است که می‌توان به ماهیت و علت اساسی مقاومت ارمنستان در برابر طرح‌های پیشنهادی صلح برای مناقشه ناگورنو قره باغ از یک سو، و تنش زدایی با ترکیه از سوی دیگر، پی برد.

3. جمهوری گرجستان و افزایش همکاری‌های اقتصادی
برخلاف ارامنه، روابط ترک‌ها با گرجی‌ها همیشه مسالمت آمیز بوده است. این روابط حسنه با تأسیس جمهوری گرجستان در قالب روابط دو جانبه میان این کشور و جمهوری ترکیه تداوم یافته است. از آنجا که ترکیه تشابه فرهنگی و مذهبی خاصی با گرجستان ندارد، همکاری‌های اقتصادی نکته ثقل روابط دو کشور می‌باشد. ترکیه مناسب‌ترین مسیر برای ارتباط گرجستان با اروپاست و در مقابل گرجستان این امکان را برای ترکیه فراهم ساخته است تا از طریق خاک این کشور به جمهوری آذربایجان دسترسی داشته باشد. در واقع، به علت اختلافات ایدئولوژیکی و ارضی ترکیه با ارمنستان، خطوط انتقالی انرژی از دریای خزر به اروپا از خاک گرجستان عبور می‌کنند. [10] (Nichol, 2007; 48)

حجم همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور به حدی است که موجب نگرانی روسیه شده است. در این راستا، برخی از پژوهشگران یکی از دلایل تجاوز روسیه به گرجستان در تابستان 2008 را افزایش نفوذ ترکیه در گرجستان می‌دانند. ترکیه در سال 2008 توانست خود را به عنوان بزرگترین شریک تجاری گرجستان مطرح سازد و به سیادت تجاری روسها در منطقه قفقاز خاتمه دهد. علاوه بر این، تکمیل خطوط انتقالی انرژی با همکاری سه جانبه آذربایجان، گرجستان و ترکیه، تهدیدی جدی برای بازار صادرات نفت و گاز روسیه یعنی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. (11) [Rondeli, 2008; 106-92]

گرجی‌ها نیز همانند آذری‌ها ذهنیت تاریخی مثبتی از روس‌ها ندارند و این امر گرایش‌های غرب‌گرایانه این کشور و طبیعتاً نزدیکی به ترکیه را شدت می‌بخشد.

به طور کلی، چشم انداز روابط ترکیه گرجستان روشن بوده و آینده خوبی برای آن متصور است. همکاری در مسائل پیرامون دریای سیاه نیز می‌تواند محرکه مناسبی برای توسعه روابط فیمابین این دو کشور به شمار رود. اگر این روند رو به رشد تداوم یابد با برجسته سازی نقش ترکیه در منطقه، فشارها را بر ارمنستان جهت تنش زدایی با ترکیه بیشتر می‌سازد.

نتیجه گیری

با عنایت به روابط حسنه ترکیه و جمهوری آذربایجان از یک سو و روابط خصمانه ترکیه و ارمنستان از سوی دیگر بدیهی است که در کشمکش میان این دو کشور یعنی مناقشه ناگورنو قره باغ، ترکیه از جمهوری آذربایجان طرفداری کند. حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان تنها به علت تشابهات قومی و زبانی نیست بلکه آینده مناقشه ناگورنو قره باغ ارتباط تنگاتنگی با اهداف ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دارد به عبارت دیگر ترکیه درصدد است که مناقشه قره باغ به نحوی پایان یابد که جمهوری خودمختار نخجوان ارتباط زمینی با سرزمین اصلی آذربایجان داشته باشد. تنها در این صورت است که ترکیه نیز می‌تواند از طریق مسیر زمینی به منابع دریای خزر و نهایتاً کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی دسترسی پیدا کند. [12] (کرمی، 1374؛ 413)

علاوه بر این، تطویل مناقشه قره باغ امنیت مرزهای شرقی ترکیه را به خطر می‌اندازد و این مسئله برای ترکیه که خواستار الحاق به اتحادیه اروپاست نمی‌تواند مثبت تلقی شود. بحران مذکور پتانسیل لازم برای بی‌ثبات سازی تمام منطقه را دارد و خیزش مجدد تنش‌ها علاوه بر اهداف سیاسی و فرهنگی، روابط رو به رشد اقتصادی ترکیه با کشورهای همجوار خویش را نیز مختل خواهد کرد. (ثقفی عامری، پیشین؛ 1354) به همین دلیل نیز ترکیه سعی کرده است در مقاطعی پیشنهادهایی برای فیصله مناقشه ناگورنو قره باغ ارائه دهد لکن این پیشنهادات موفقیت آمیز نبوده اند چراکه ارمنی‌ها ترکیه را به عنوان یک میانجی بی‌طرف قبول ندارند. اختلافات تاریخی میان ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها و نیز خاطره تلخ ارامنه از حکومت عثمانی، مانع اصلی توفیق میانجی‌گری ترکیه محسوب می‌شود. [13] (ارفعی، 1371، 199)

تلاش‌های حکومت جدید ترکیه به منظور تنش زدایی با ارمنستان در چارچوب استراتژی به صفر رساندن تنش‌ها با همسایگان نیز با شکست مواجه گردیده است. پارلمان‌های ارمنستان و ترکیه از تصویب پروتکل‌های امضا شده در سوییس خودداری کردند و بدین ترتیب تدابیر حزب عدالت و توسعه جهت نزدیکی به ارمنستان بی‌نتیجه ماند [14] (taspinar, 2010; 18)

علت اصلی عدم تصویب پروتکل‌های سازش میان ترکیه و ارمنستان، غفلت این پروتکل‌ها از مناقشه ناگورنو قره باغ و عدم اشاره به آن بود امری که در نهایت موجبات عقیم ماندن آنها را فراهم ساخت.

در هر صورت، نوع جهت گیری ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به خصوص در رابطه با مناقشه ناگورنو قره باغ مطابق میل کشورهای روسیه و ایران نیست. اما کشورهای غربی میانجیگری ترکیه را به میانجیگری روسیه و جمهوری اسلامی ایران ترجیح می‌دهند. (شیخ عطار، پیشین؛ 26)

بنابراین، حمایت ترکیه و ایالات متحده آمریکا از جمهوری آذربایجان، توازن ظریفی را در برابر حمایت روسیه و ایران از ارمنستان به وجود آورده و به تطویل بحران قره باغ کمک رسانده است. گسترش روابط ترکیه با روسیه و ایران در سالهای اخیر و همچنین احتمال وقوع تنش زدایی در روابط ترکیه - ارمنستان چنین تعادلی را به خطر می‌اندازد.

منابع و مأخذ

[1]. ثقفی عامری، ناصر؛ (1371) ژئوپولیتیک ایران و منطقه در دوران پس از جمگ سرد؛ تهران: فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره دوم؛ 12.

- [2]. عبدالاحد، بهزاد؛ (1372) قره باغ در چشم انداز تاریخ، تبریز: ارک؛ 84 .
- [3]. شیخ عطار، علیرضا؛ (1371) ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه؛ 26-27 .
- [4]. اسدی کیا، بهناز، (1375) جمهوری آذربایجان؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه؛ 122 .
- [5]. کاوردانکوس، هلن؛ (1375) استراتژی اتحادیه اروپا در قفقاز، تهران: فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره 16؛ 313 .
- [6]. بهار چیچک، عبدالقادر؛ (1373) همکاری اقتصادی با یک دیدگاه سیاسی، ترجمه علیرضا سنجابی؛ تهران: فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره هشتم؛ 157 .
- [7]. روشندل، جلیل و قلی پور، رافیک؛ (1373) سیاست و حکومت در ارمنستان، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه؛ 136 .
- [8]. لی، وهاب؛ (1375) بحران قره باغ و سیاست گورباچف در جمهوری های مسلمان، تهران: فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، 224 .
- [9]. سجادیپور، سید محمد کاظم؛ (1374) هویت ارمنی و مسئله سرزمینی با نگاهی به برخی از ابعاد مطالعات ارمنی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ششم؛ 99-100 .
- [10]. Nichol, Jim; (2007) Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Security Issues and Implications for U.S. Interests. CRS Report for Congress, February 1. 48
- [11]. Rondeli, Alexander; (2008) Security Threats in the Caucasus: Georgia View, Journal of International Affairs, June August , Volume 3, Number 2. 92-106
- [12]. کرمی، تقی؛ (1374) عوامل منطقه ای تطویل کشمکش بین جمهوری های آذربایجان و ارمنستان، تهران: فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره 5؛ 413 .
- [13]. ارفعی، عالیہ؛ (1371) قضیه ناگورنو - قره باغ، تهران: فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره دوم؛ 199 .
- [14]. Ttaspinar, Omer, (2010) From Zero Problems to Zero progress, Ankara: Today's Zaman, 22 March , . 18